

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
۳۰ اپریل ۲۰۱۵

راز حکومتداری!!

سروده ای که اولین بار نشر میشود

نظری به یادداشتهای گذشته که مطلبی از آن به نام "شعری از گذشته" در صفحه تاریخی ۵
فبروری ۱۴ پورتال محبوب "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" انتشار یافت، مرا بر آن داشت تا
با مرور مکرر در یادداشتهای مطالب دیگری هم جست و جو نموده و بدست نشر بسپارم. اینک
شعر انتقادی که نظر به شرایط محدود زمان، امکان نشر آن در آن دوران میسر نبود، تقدیم
دوستان میگردد:

عاقلی خودگذری، از در صحبت با شاه
خاندان تو به هر گوشه حکومت دارد
پور کاکای تو بر قوم، رئیس الوزراست
پُست حساس حکومت به کف اقوامت
نه وزیری، که خود از توده مردم باشد
پای این قوم به گودال جهالت بند است
معرفت راه نکرده ست به مغز مردم
باید آخر غم این ملت عاجز خوردن
تا به کی بذر نفاق است میان مردم
تا کی از جهل، به تحریک اجانب این قوم
آخر این قوم به گرداب جهالت گم شد

گفت ای شاه، به قومی که تویی سردارش
خاکش افکنده ای در دیده و در پا خارش
خود کاکای تو گـرـدیده سپهسالارش
نیست سِری که سِری نیست ترا در کارش
نه وکیلی، که به کاری برسد افکارش
نیست مردی، که بگویند کسی هشیارش
چه سِر است این که نئی باخبر از اسرارش
تا فلکخیز شود چون دگران افکارش
تا به کی جنگ مذاهب بدهد آزارش
به هم آویزد و تو، نام دهی اشعارش
کاش، از فیض معارف بکنی بیدارش

شه بخندید و به او گفت، که ای تندزبان هرکه داند به سیر کار خود و اسرارش
مشعل دانش آگـر رهبر مردم گردد مشکل افتد که شود مد نظر رفتارش
جهل مردم سبب راحت و آرامی ماست نشنیدی مگر از شاعری، در اشعارش
که چه زیبا سخنی گفته به دولتمردان
"طفل کی گریه کند، تا نکنی بیدارش"

(م. نسیم "اسیر" - ۷ حوت ۱۳۳۶ ش، کابل عزیز)